



دیگلدت

پنجمین گاهنامه حقوقی
بهمن ۱۳۰۳

دنیای بیماران روانی

دنیای تاریک اینترنت

آینده کودکان در دستان والدین

از حقوق رانندگان تا حقوق زیان دیدگان



شرحے پر جنایت و...

شرایط ضروری برای اعتبار

یک معامله حقوقی چیست؟

شناسنامه

نشریه ندای عدالت شماره پنجم بهمن ۱۴۰۳

به صاحب امتیازی انجمن علمی حقوق دانشگاه حکیم سبزواری

مدیر مسئول: مرزاد چراغی

سر دبیر: فاطمه غلامزاده

طراح جلد و صفحه ارا: فاطمه غلامزاده، سحر علی نیا

ویراستاری و تایپ: ملده جان فدا، فاطمه ملکان، میتا مسکنی

هیأت تحریریه:

علی حسینی، مرزاد چراغی، فاطمه فلاحی، بهاره رشیدی، فاطمه غلامزاده، سمیرا حاتمی

سخن سردیر

به نام خداوندی که عدالت را به عنوان نور هدایت در دل ما و دستان ما می تاباند.

در دنیای پیچیده امروز که دائم در حال تغییر و تحول است، نگاه به حقوق و قوانین، از زاویه ای درست، نه تنها به افراد

حکم می کند تا از حقوق خود دفاع کنند، بلکه جامعه را به سوی انصاف و عدالت سوق می دهد.

در این شماره از نشریه ندای عدالت؛ مابه بررسی مسائل حقوقی معاصر خواهیم پرداخت و سعی داریم با توجه به تحولات

جدید، دیدگاهی روشن و مبتنی بر علم و دانش، ارائه دهیم.

با ما همراه باشید تا در کنار یکدیگر، درک بهتری از قوانین و تاثیر آنها بر زندگی روزمره پیدا کنیم.

فاطمه خلافراده

۱ دنیای تادیک اینترنت ۵

۲ شرحی بر جنایات و اقتراف و تمیز عناصر کیفری آن ۸

۳ از حقوق رانندگان تا حقوق زیان دیدگان ۱۲

۴ شرایط ضروری برای اعتبار یک معامله حقوقی چیست؟ ۱۴

۵ آینده کودکان در دستان والدین ۱۶

۶ دنیای بیماران روانی ۱۹

۷ منابع ۲۳

دنیای تار یک اینترنت

با توجه به پیشرفت‌های جامعه و شکل‌گیری بسترهای مجازی، غالب افراد، بسته به نوع فعالیت خود (شغل، تحصیل، کسب و کار و....) روزانه از چند دقیقه تا چند ساعت را جهت انجام امور خود صرف این بستر می‌نمایند که این بستر نیز با توجه به شرایط ویژه‌ی خود، دارای چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف، از جمله می‌باشد که در ادامه قصد بررسی این چالش‌ها در قوانین کیفری را داریم.

اولین مهم در این خصوص، شناسایی و معرفی فضای مجازی یا سایبری و ارکان و اجزا تشکیل دهنده آن می‌باشد: فضای سایبر، در معنا به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و وسایل مخابراتی، بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود. یک سیستم آنلاین نمونه‌ای از فضای سایبر است که کاربران آن می‌توانند از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

قانونگذار با توجه به چالش‌های پیش روی این بستر، اقدام به تدوین و تصویب قوانین مختلف، جهت رفع نیاز قوانین و مقررات نموده که از جمله این قوانین می‌توان به قانون تجارت الکترونیک، قانون جرایم رایانه‌ای و یا قانون آیین دادرسی رایانه‌ای اشاره نمود؛ که در این نوشته قصد بررسی و نگاه اجمالی بر قانون جرایم رایانه‌ای را داریم:

با بررسی قانون جرایم رایانه‌ای این نتیجه حاصل می‌شود که اصول کلی حاکم بر قانون مجازات اسلامی در این قانون نیز، رعایت شده است که از جمله آن‌ها، اصل کلی غیرقابل گذشت بودن جرایم چه در قانون مجازات اسلامی و چه در قانون جرایم رایانه‌ای است. دیگر اصل رعایت شده در این دو قانون نیز، مشهود و غیرمشهود بودن جرایم می‌باشد. بر اساس ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم مشهود دارای شرایط و ویژگی‌هایی می‌باشد که در این ماده و تبصره‌های ذیل آن بیان شده، با توجه به قانون جرایم رایانه‌ای و قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای، مقرره‌ای در خصوص تفکیک بین جرایم مشهود و غیرمشهود در فضای مجازی وجود ندارد و صراحت ماده ۶۸۷ از قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای این اصل نیز تابع قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

برای بررسی بهتر و دست‌یابی بر موفقیت در امور کیفری و بیشتر از آن جلوگیری از سوءاستفاده و مقابله با مورد بزه واقع شدن معرفی و شناسایی ارکان فضای سایبر می‌باشد که بطور مختصر هر یک را مورد بررسی و تعامل قرار می‌دهیم.

از مهم ترین مفاهیم مورد استفاده در این بستر داده ها و سامانه ها می باشد

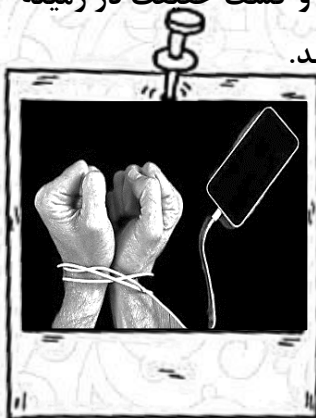
که داده ها را می توان به تمام اطلاعات خام در رایانه یا تلفن همراه و یا هر وسیله الکترونیک دیگر ذخیره می شوند، گفت و سامانه ها نیز شامل تمامی نرم افزارها یا دستورالعمل هایی می باشند که برای تغییر داده ها یا کار بر روی آنها مورد استفاده قرار می گیرد.

قانون گذار صرفاً در ماده ۲ از قانون تجارت الکترونیک دست به معرفی مختصری از داده پیام زده که مصوب سال ۱۳۸۲ است و پس از آن و در سال ۱۳۸۸ اقدام به تصویب قانون جرائم رایانه ای و جرم انگاری، رفتارهایی در این بستر نموده است و پس از آن و در سال ۱۳۹۲ با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری بخش دهم از ماده ۶۶۴ الی ۶۸۷ به آیین دادرسی جرایم رایانه ای پرداخته است. با توجه به موضوع این نوع از جرایم و مستفاد از ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری این نتیجه حاصل می شود که بر خلاف دادرسی اختصاصی از جمله دادرسی ویژه روحانیت یا دادرسی ویژه کارکنان دولت، رسیدگی به موضوع این جرایم امری تخصصی و مستلزم تشکیل دادرسی و دادگاه های تخصصی می باشد که در کلان شهرهایی مانند تهران این امر محقق شده و در شهرستان ها با توجه به محدودیت های موجود شعباتی از دادرسی را جهت رسیدگی به این امر اختصاص داده اند.

با توجه به تخصصی بودن این نوع از جرایم، علاوه بر وجود دادرسی و دادگاه های تخصصی

حضور و وجود ضابطان و کارشناسان متخصص نیز در این زمینه لازم و نیاز دستگاه قضا بوده که در خصوص ضابطان قضایی این اقدام از طریق پلیس فراجا حاصل شده و حوزه ای با نام پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات و با عنوان اختصاری « پلیس فتا » از سال ۱۳۸۹ شروع به فعالیت نموده است.

علاوه بر وجود این نوع از ضابطان عام، دادگستری با ماموریتی خاص وجود کارشناسان رسمی دادگستری که تخصص در امور نرم افزاری و فناوری اطلاعات و ارتباطات دارند کمک شایانی جهت بررسی و کشف حقیقت در زمینه جرایم سایبر می نمایند.



دیگر مبحث مورد تامل در زمینه جرایم سایبر، رفتارهای نوین و نوظهور در تحقق جرم می باشد که پیشتر و در بروز جرایم سنتی معنایی نداشتند؛ به عنوان مثال در جرم کلاهبرداری سایبری یا تخریب داده ها در سایبر بر خلاف تخریب عمدی که یک جرم با فعل و عمل فیزیکی در دنیای مادی قابل اثبات با شهادت

شهود بوده، دیگر معنایی ندارد و می توان چنین مدعی بود که عملاً شهادت شاهد در اثبات این نوع از جرایم به طور قابل توجهی غیر قابل

۷۲۹ از این قانون برای دسترسی غیرمجاز، تعیین مجازات نموده است.

با این تعریف از قانون موصوف، می‌توان چنین عنوان کرد که شروع به جرم در جرایم سنتی، قابلیت مجازات در جرایم نوین را دارد؛ چرا که صرف تصرف مال دیگری در راستای بزه، سرقت تعزیری، قابل مجازات نمی‌باشد. اما به محض وقوع تصرف و دستیابی به اطلاعات شخص در فضای سایبر دارای مجازات و از مصادیق جرم عنوان شده است.

از دیگر موارد مورد بحث در زمینه‌ی سایبر، مسئولیت کیفری اشخاص می‌باشد:

همانطور که در مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، حدود مسئولیت اشخاص حقیقی در جرایم کیفری بیان شده، در قانون جرایم رایانه‌ای نیز اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری در برابر اشخاص می‌باشند.

استناد و بدون کاربرد می‌باشد؛ لذا باید بر این نکته توجه نمود که بیشتر جرایم سایبر شیوه و روش سنتی جرایم را از دست داده که با این دیدگاه عملاً شیوه‌های اثبات دعاوی مرتبط و مطروحه در این بخش نیز باید مورد تغییرات محسوس و مقتضی قرار گیرد که این امر نیز خود مستلزم تخصص ویژه در زمینه‌های مختلف مرتبط با جرایم سایبری می‌باشد.

آنچه تاکنون در زمینه‌ی جرایم رایانه‌ای یا سایبر به تصویب رسیده که در صدر نیز به آنها اشاره شد، موارد جرم انگاری رفتارهایی در زمینه‌ی رایانه‌ای می‌باشد، که با توجه به توسعه چشمگیر و سریع این بستر، قوانین موجود نیز از کاستی‌هایی برخوردار بوده و نیازمند مصوبات بیشتر و تخصصی‌تر می‌باشد؛ همانطور که مجلس شورای اسلامی در صدد تصویب قوانین مربوط به رمز ارزها می‌باشد، از بررسی قانون جرایم رایانه‌ای، این نتیجه حاصل می‌شود؛ که از مهم‌ترین ارکان تحقق این نوع از جرایم، دسترسی غیرمجاز و نقض تدابیر امنیتی می‌باشد، که این ارکان در نظر قانونگذار آن‌چنان اهمیتی داشته که در فصل اول، ماده

«علی حسینی»



اشترحی بر جنایات و اقتراق و تمیز عناصر کیفری آن

لزوم و اصالت محقون الدم بودن:

محقون الدم فردی است که، جان و خون او، مورد حمایت قانونگذار قرار دارد و باید از کشتن و ایراد جنایت بر او جلوگیری شود؛ و در صورت ورود جنایت بر او، مجازات قصاص بر مرتکب، وارد است. در مقابل محقون الدم، محدودالدم قرار دارد که گویایی بی ارزشی و هدر بودن خون یک فرد، از منظر شرع و قانون است. محدودالدم در نزد قانون و شرع هیچ ارزش و جایگاهی ندارد و همانطور که پیداست، جنایت وارده بر این فرد، شامل مجازات قصاص دیه نمی‌باشد؛ و اگر هم مجازاتی متوجه مرتکب شود، مربوط به نظم عمومی خواهد بود.

محدور الدم به دو دسته تقسیم میشود:

۱. محدود الدم مطلق، که خون او بر همگان مباح است.
۲. محدودالدم نسبی، که خون او بر برخی افراد مباح و برخی افراد حرام است.

مثل مهدورالدم بودن قاتل، نسبت به اولیای دم و حرام بودن خون او، بر غیر از اولیای دم.

ارتکاب معصیت ذنب و هر فعل یا ترک فعل حرام، یا تعدی یا تفریط یا افراط بر جان مال اعضا، یا منافع فرد یا افراد یا هر جاندار دیگر، صرف نظر از عنصر روانی، جنایت نام دارد.

در این نما، صرفاً از جنایاتی که بر جان عضو و منافع انسان وارد میشود، سخن خواهیم گفت.

«شروط جنایت در موازین قانون کیفری»

۱. انسان بودن مجنی علیه (لزوم انسان بودن)

۲. غیر خود بودن (لزوم دیگری بودن)

۳. لزوم محقون الدم بودن

از این رو، لزوم انسان بودن در قوانین ذکر شده است که، حایلی میان جنایت بر انسان، اعم از جنین، زنده و میت قائل شود.

لزوم دیگری بودن، بر این مبناست که، در شرع و قانون، میان خودکشی و جنایت بر خود و جنایت بر دیگری، اعم از جنایت بر نفس عضو و منفعت، تفاوت قائل شده است. زیرا، در فقه شیعه خودکشی و جنایت بر خود، یک حق الهی به شمار می‌رود و مجازات شرعی آن را، نمیتوان به شکل مادی و قانونی متوجه فرد کرد؛ و همچنین در مورد ایراد، جنایت مادون نفس، بر خود هم، موجب مجازات فرد نمی‌باشد.

«اقسام جنایات»

قصد نتیجه: هرگاه در ذهن انسان، فارغ از نوع

فعل و چگونگی ظهور جرم، در قالب عنصر مادی، قصد ایراد جنایت نقش ببندد، قصد نتیجه نام دارد و اگر آن فعل که معلولی از قصد نتیجه است به وقوع بپیوندد، قصد نتیجه محقق شده است.

مثال: فرد الف قصد کشتن فرد ب را دارد، پس از برنامه ریزی برای چگونگی ایراد جنایت، تصمیم میگیرد به وسیله ی اسلحه، او را به قتل برساند.

سوء نیت عام:

مخرج مشترک، میان تمامی جرایم عمدی را، میتوان، سوء نیت عام نامگذاری کرد. زیرا، لازمه ی یک جرم عمدی، ارتکاب رفتار و فعلی است که آگاهی مرتکب را برای ظهور آن لازم و واجب میدارد، به نوعی اراده خود آگاه یک فرد، در انجام یک عمل مجرمانه، سوء نیت عام است (صانعی حقوق جزای عمومی).

سوء نیت خاص:

قصد مشخص و مخصوص یک جرم خاص، که توسط عرف یا معیار نوعی از عنصر روانی مرتکب، قابل استخراج میباشد یا به نحوی دیگر هر توصیفی که قانونگذار در قانون برای تشخیص یک جرم خاص متصور شده و از منظر مرتکب، عنصر روانی (قصد نتیجه) مجرمانه، که در ذهن وی به عنوان محرک، برای قصد رفتار مجرمانه، تشکیل شده است، سوء نیت خاص، نام دارد.

آنچه تعیین کننده ی اقسام جنایات و دسته بندی آنها می شود، حول محور چند عنصر روانی و البته ظهور آن به عنوان فعلی مادی قرار دارد، که توضیح آن به شرح زیر است:

قصد حالتی روانی است که، یک تصمیم قبلی یا آنی را (سوء نیت ساده یا مشدد)، در پی دارد؛ و ظهور، آن عملی در عالم مادی را شامل میشود و گاهی هم به صورت عنصر روانی بدون ظهور مادی باقی میماند.

گاه مقصود ما، در قالب یک قصد ذهنی باقی میماند و لزومی بر انجام فعل را دارا نیست، در این فرض در صورتی که قصد ذهنی ما، موجب ترک فعل شود و ترک فعل مذکور، از لحاظ قانونی موجب ارتکاب جنایت شود، جنایت از طریق ترک فعل صورت میگیرد.

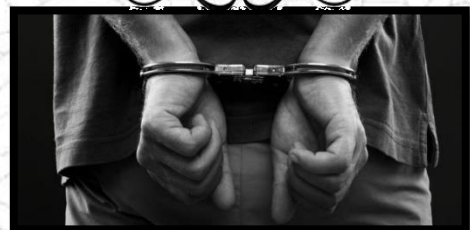
قصد هنگامی مجرمانه تلقی میشود که، در قانون برای آن عمل، مجازات تعیین شده باشد و بر اساس عنصرهای روانی و مادی، جرم به دو دسته ی قصد رفتار و قصد نتیجه تقسیم میشود، یا به نوعی سوء نیت عام و سوء نیت خاص، تلقی میشود.

قصد رفتار یا قصد فعل: هرگاه نیت روانی ما، که منسوب به عملی مجرمانه است، در قالب عمل مجرمانه (فعل) یا ترک فعل ظهور گردد، قصد رفتار مجرمانه محقق شده است.

قصد مستقیم؛ صراحت در فعل مرتکب، به دنبال رخداد یک اتفاق مشخص و معلول است. مانند پرتاب سنگ، به فردی که پشت شیشه ایستاده، به منظور کشتن او، در این فرض، قصد مستقیم، کشتن فرد به وسیله سنگ است.

قصد تبعی غیر مستقیم یا ضمنی، قصدی است که، نتیجه رخ داده حاصله منظور و مقصود نبوده اما، نوعاً میتوان آن را پیش بینی کرد و معلول فعل مرتکب دانست. مثل شکستن شیشه در اثر پرتاب سنگ در مثال فوق. حصول قصد تبعی گاه آنقدر صریح است که، جایی برای شبهه باقی نمی گذارد و گاه برای استنتاج آن، نیازی به تامل بیشتر است. ما در نهایت، آن رخداد و معلول را از لوازم فعل مرتکب می دانیم و معین بودن آن، در جرایم عمدی، حائز اهمیت است به گونه ای که مرتکب، آن را به طور ارتكازی میتواند پیش بینی کند.

"دکتر علی خالقی، دکتر محمد علی رجب پژوهشنامه حقوق کیفری"



آگاهی و توجه

به لحاظ علمی، آگاهی یعنی اطلاعات یا روش یا نحوه کنش به وقوع پیوسته، در ذهن ما، موجود میباشد. زیرا، هیچ عملی، بدون آگاهی صورت نمیگیرد. زیرا، اگر انسان، آگاه به چگونگی انجام یک عمل نباشد، هیچگاه، نمیتواند دست به انجام آن بزند.

در کلام قانونگذار، آگاهی در کنار توجه مورد استفاده قرار گرفته است و جمعاً به این

معناست که، افکار فرد، دارای آگاهی نسبت به عمل و همچنین توجه به اوصاف حالات و شرایط وقوع و نتیجه آن فعل خاص است.

گاهی امکان دارد که آگاهی وجود داشته باشد ولی توجه به دلیل شرایط خاص و یا شرایط آنی، از بین برود. مثل فردی که هنگام عصبانیت، در نزاع، دیگری را به به سمت خیابان هل دهد و در اثر تصادف منجر به فوت فرد مذکور شود.

هرچند که فرد الف، آگاه به کشنده بودن رفتارش است، اما به دلیل شرایط روانی خاص و عصبانیت و غیره، وجه خود را از دست میدهد.

گاه این آگاهی و توجه، معطوف به یک علم عام است. مانند آگاهی همه انسانها از کشنده بودن

سم و گاه آگاهی، معطوف به یک است. مانند

آگاه بودن از حساسیت شدید یک فرد به یک

ماده خاص، که میتواند، منجر به فوت او

شود. برای تفسیر انواع آگاهی بر شرایط و حالات

مختلف فعل مجرمانه و همچنین حالات و شرایط

مجنی علیه، در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در کلام قانونگذار، در باب جنایات، از عبارت

نظیر، استفاده فراوانی شده است.

در تفسیر این کلمه در عبارت جنایت واقع شده

یا نظیر آن، باید چند حالت را، مورد توجه و

بررسی قرار داد. گاه جنایت رخ داده و نظیر آن،

در حالتی قرار دارد که، میان جنایت واقع شده و

جنایت مقصود، رابطه برابر حکم فرماست؛

رفتاری که صرفاً نسبت به مجنی علیه، نوعاً آسیب رساننده باشد یا بر اساس آلت، نوع، جنس و کیفیت یک فعل مجرمانه، نوعاً موجب جنایت شود؛ مثل آسیب رساندن به وسیله ی هیجان وارده بر یک فرد مبتلا به بیماری قلبی.



رفتار نوعاً کشنده، در تقسیم بندی دیگر، به دو حالت متصور است:

حالت اول: حالتی است که، رفتار به اعتبار وسیله، آلت، فعل، مکان، زمان و.. موجب رفتاری نوعاً کشنده یا آسیب رساننده ای شود.

حالت دوم: حالتی است که، رفتار به اعتبار حساسیت مجنی علیه، موجب رفتاری نوعاً کشنده یا آسیب رساننده میشود.

در رفتار نوعاً کشنده مطلق، اصل، بر آگاهی مرتکب از نوعاً کشنده بودن رفتار است و اگر مرتکب ادعا کند که آگاهی نداشته است، باید آن را اثبات کند.

در رفتار نوعاً کشنده یا مجروح کننده نسبی، اصل بر این است که، مرتکب از نوع کشنده بودن رفتار، آگاهی نداشته و برای عمدی محسوب شدن جنایت، باید این ادعا، توسط شاکی یا دادستان اثبات شود.

مهرزاد چراغی

مانند آنکه فردی به قصد کور کردن دیگری به وسیله سلاح شکاری، به چشم سمت راست او شلیک کند، اما به علتی دیگر پرتابه، به چشم سمت چپ او برخورد کند و موجب جنایت بر عضو او شود. در این حالت اصطلاحاً میان جنایت مقصوده و جنایت رخ داده، برابری وجود دارد.

در حالت دوم، فرضیست که، جنایت مقصوده، خفیف تر از جنایت رخ داده باشد؛ مانند آنکه به قصد مجروح ساختن فردی از ناحیه دست، به او آسیبی وارد سازد اما مجنی علیه، توسط اقدامی غیر از اقدام مرتکب، به علت خونریزی فوت نماید، که بر اساس «ماده ۲۹۳ ق.م.ا» رسیدگی و تعیین میشود.

در حالت سوم، فرضی است که، جنایت مقصوده، شدیدتر از جنایت رخ داده باشد؛ مانند آنکه فردی قصد کند با سلاح به سر دیگری شلیک کند اما پرتابه به دست او برخورد کند، که در این حالت جنایت رخ داده، عمدی تلقی میشود.



بارها در فصل اول کتاب قصاص، این کلمه به کار برده شده و معنای آن به این شکل میباشد؛ رفتار نوعاً کشنده یا مجروح کننده، به دو دسته تقسیم میشود:

دسته اول: رفتار نوعاً کشنده یا مجروح کننده مطلق

این رفتار، نسبت به همه ی افراد موجب بروز جنایت میشود؛ مثل نوعاً کشنده بودن چاقو.

دسته دوم: نوعاً کشنده یا مجروح کننده نسبی

«عوامل مؤثر در تعیین مسئولیت»

از حقوق رانندگان تا حقوق زیان دیدگان

در تعیین مسئولیت مدنی در حوادث رانندگی، چند عامل کلیدی نقش دارند:

۱. خطای راننده:

اگر راننده‌ای در حال راندن باشد و به دلیل بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا نقض قوانین راهنمایی و رانندگی باعث وقوع حادثه شود، قطعاً مسئول شناخته خواهد شد.

۲. وضعیت خودرو:

قص فنی خودرو نیز می تواند، عاملی برای کاهش یا افزایش مسئولیت باشد. اگر نقص فنی ناشی از عدم نگهداری مناسب باشد، راننده ممکن است به دلیل سهل انگاری، مسئول شناخته شود.

۳. شرایط جوی محیط:

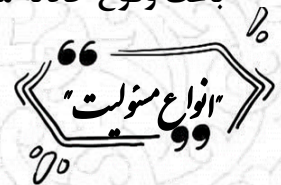
شرایط جوی و وضعیت جاده نیز می توانند تأثیرگذار باشند. در برخی موارد، ممکن است، شرایط غیر قابل پیش بینی، موجب وقوع حادثه شود.



بیمه‌های خودرو، نقش مهمی در مدیریت خسارات ناشی از حوادث رانندگی دارند بر اساس قوانین جاری، تمامی رانندگان، موظف به داشتن بیمه شخص ثالث هستند که خسارات مالی و جانی ناشی از حوادث را پوشش می دهد. این بیمه‌ها، به زیان دیدگان کمک می کنند، تا بدون نیاز به پیگیری‌های طولانی قضایی، خسارت خود را دریافت کنند.

حوادث رانندگی جزئی از معضلات جامعه‌ی مدرن به شمار می روند که روند آنها رو به افزایش است. این حوادث، خسارات مالی و جانی به همراه دارند و به تبع آن مقصر ملزم به جبران خسارت است.

در این زمینه، به معنای تعهد قانونی فرد یا افرادی است که، در نتیجه رفتار یا عمل خود، باعث وقوع حادثه می گردد.



مسئولیت مدنی در حوادث رانندگی، به دو دسته‌ی کلی تقسیم می شود:

۱. مسئولیت قراردادی: این نوع مسئولیت زمانی مطرح می شود که، بین طرفین یک قرارداد (مانند بیمه‌گذار و بیمه‌گر)، توافقی وجود داشته باشد. برای مثال، در صورت بروز حادثه، بیمه‌گر، موظف به پرداخت خسارت، به زیان دیده، طبق شرایط قرارداد است.

۲. مسئولیت قهری: این نوع مسئولیت زمانی ایجاد می شود که، فردی بدون وجود قرارداد، به دلیل عمل غیرمجاز خود (مانند بی احتیاطی در رانندگی)، باعث آسیب به دیگری شود. در این حالت، زیان دیده می تواند از طریق دعوای حقوقی، خسارت خود را از عامل حادثه، مطالبه کند.

تبعات منفی حوادث و حمایت از زیان دیدگان کمک کند. همچنین، ترویج فرهنگ ایمنی در رانندگی و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی میتواند به کاهش حوادث و آسیب های ناشی از آنها منجر شود.

مسئولیت مدنی در حوادث رانندگی موضوعی پیچیده و چندبعدی است که، نیازمند توجه به عوامل مختلف، از جمله خطای انسانی، وضعیت خودرو و شرایط محیطی است. گاهی از حقوق و تعهدات قانونی در این زمینه، می تواند به کاهش

"فاطمه فلاحتی"



شرایط ضروری برای اعتبار یک معامله حقوقی چیست؟



شخصاً و بدون دخالت دیگری امور خودش را اداره کند و اعمال حقوقی انجام دهد.

منظور از عقل هم این است که قوای دماغی شخص سالم باشد کسی که فاقد قوه عقل و مبتلا به اختلال قوای دفاعی باشد، مجنون نامیده می شود. تشخیص جنون مفهوم عرفی و پزشکی است که قانون نمی تواند در این باره یک ضابطه قطعی اعلام کند. رشید هم عبارت است از اینکه اقدامات شخص در مورد اموالش عاقلانه باشد.

۹۹ ۳. موضوع معین، مورد معامله باشد: ۶۶

به زبان ساده منظور از موضوع معین متعلق موضوع تعهد است؛ که یا باید منتقل شود یا آن کاری است که انجام یا ترک آن خواسته شده است. مطابق ماده ۲۱۴ قانون مدنی مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تصمیم یا ایفای آن را می کنند.

۹۹ ۴. مشروعیت جهت معامله: ۶۶

جهت معامله همان هدفی است که هر یک از طرفین قرارداد دارند و همچنین معامله باید مشروع باشد؛ برای مثال اگر کسی به منظور تاسیس قمارخانه و مرکز فشا خانه ای بخرد و در قرارداد صریحاً ذکر شود، معامله باطل است. در

برای صحت هر معامله ای شرایطی که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی ذکر شده، لازم است:

۹۹ ۱. رضایت طرفین: ۶۶

رضاء، در اصطلاح حقوقی همان میل و گرایش باطنی و انجام یک عمل حقوقی است. مطابق ماده ۱۹۵ قانون مدنی، طرفین معامله باید قصد انشاء، یعنی ایجاد رابطه ای حقوقی را داشته باشند و الا معامله باطل و از جهت درجه ای اعتبار ساقط است؛ به همین جهت معامله ای افراد دیوانه یا صغیر غیرممیز یا کسی که در حالت مستی است به دلیل فقدان قصد، باطل است و هیچ اثری بر این گونه معامله مترتب نیست؛ باید توجه داشت که سکوت، وضعیت مبهمی دارد و نمی تواند وسیله ای اظهار اراده تلقی گردد.

۹۹ ۲. اهلیت طرفین: ۶۶

برای اینکه طرفین، اهل محسوب شوند؛ مطابق ماده ۲۱۱ قانون مدنی باید بالغ، عاقل و رشید باشند. اگر بخواهیم دقیق تر به معنای این سه کلمه بپردازیم:

بالغ در فقه اسلامی کسی است که غرایز جنسی او به اندازه کافی رشد یافته و آماده ی تولید مثل باشد. در فقه امامیه برای بلوغ علامت هایی ذکر کرده اند و کسی که به سن بلوغ نرسیده از نظر قانون صغیر محسوب می شود و نمی تواند

برای تولید مسکرات اگر صریحاً ذکر شود، معامله باطل است؛ اما در فرار از دین، نوعی معامله غیرنافذ صورت گرفته و نتیجه تنفیذ یا بطلان معامله به دست داین است.

موردی که فرد به قصد فرار از دین معامله‌ای انجام دهد، جهت نامشروع است ولی احکام نامشروع بر آن جاری نیست؛ زیرا در جهت معامله نامشروع، مثل فروش کشمش

"هماره‌رشدی"
بیت



آینده کودکان در دستان والدین

تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی «ملاک ازدواج شرعی مادر ایرانی با پدر خارجی، عقدنامه ی رسمی یا هر سند معتبر قانونی، مبنی بر وقوع نکاح یا صدور رأی قضایی (داخلی یا خارجی)، مبنی بر وجود رابطه زوجیت او است.

مطابق تبصره ۱ این ماده، احراز وقوع ازدواج هایی که از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون تا زمان انتشار این آیین نامه در روزنامه ی رسمی، صورت گرفته، موکول به ارائه ی عقدنامه ی رسمی یا حکم قطعی مرجع قضایی، مبنی بر احراز وقوع نکاح شرعی است.

در مورد ازدواج هایی که پس از انتشار این آیین نامه واقع میشوند، تنها ازدواج ثبت شده، ملاک تأیید تابعیت فرزندان متولد از این ازدواج ها خواهد بود؛ زیرا، تابعیت ایرانی از طرف مادر هم منتقل می شود.

منظور از ازدواج شرعی در این آیین نامه، ازدواجی است که مطابق قوانین ایران، معتبر باشد؛ اعم از اینکه ثبت شده یا نشده باشد.

در ازدواج های بین المللی، یکی از چالش برانگیزترین و پیچیده ترین مسائل حقوقی، حقوق فرزندان می باشد.

هنگامی که زن و مردی از دو کشور مختلف، با قوانین و فرهنگ های مختلف با یکدیگر ازدواج می کنند، مسائل مربوط به فرزندان آنها، از جمله حضانت، سرپرستی، حقوق مالی، تابعیت و حتی نامگذاری، ممکن است با مشکلات زیادی روبرو شود.

در این نوشتار کوتاه، سعی داریم به موضوع حضانت فرزندان حاصل از این نوع ازدواج ها، که به قوانین داخلی ایران و همچنین معاهدات بین المللی مرتبط با حقوق کودک است، بپردازیم.

حضانت یعنی چه؟

حضانت، یعنی دایگی و محافظت در تربیت فرزند، یا به عبارت دیگر ولایت بر کودک یا مجنون، برای تربیت کردن، حفظ و نگهداری و تأمین مصالح مربوط به او می باشد.

در صورتی که زن ایرانی با مرد خارجی، به صورت شرعی ازدواج کند، فرزندان حاصل از این ازدواج، طبق «ماده ۳ آیین نامه اعطای

توافقات این دو کشور در مسائل حضانت تاثیرگذار باشد، البته، برخی از کشورها هم ممکن است قوانین و مقررات متفاوتی برای حضانت و سرپرستی فرزندان ناشی از ازدواج با افراد خارجی داشته باشند؛ بنابراین حتی اگر پدر خارجی باشد، در صورت طلاق، ابتدا تا ۷ سالگی حضانت بر عهده مادر خواهد بود، و پس از آن بر اساس شرایط مختلف، دادگاه صالح، تصمیم‌گیری خواهد کرد.

حضانت مشترک یعنی چه؟

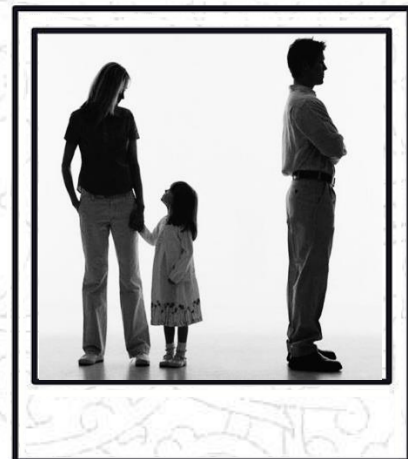
در بسیاری از کشورها، حضانت فرزند به طور مشترک، به والدین تعلق می‌گیرد. به این معنا که والدین، هر دو، مسئولیت‌های حقوقی و عملی برای تربیت و مراقبت از فرزند را، به عهده دارند.

حضانت انحصاری یعنی چه؟

برخی از کشورها، به یکی از والدین که معمولاً مادر است، حضانت انحصاری فرزند را می‌دهند؛ در حالی که در دیگر کشورها، این تصمیم بستگی به عواملی، مانند: توانایی والدین، وضعیت زندگی فرزند و همچنین نظر دادگاه دارد، در صورتی که والدین تصمیم به مهاجرت به کشور دیگری بگیرند، مسائل مربوط به حضانت و حقوق کودک، می‌تواند تحت تاثیر قوانین آن کشور قرار گیرد.

منظور از زن ایرانی نیز، زنی است که پیش از ولادت فرزند، مطابق قوانین و مقررات ایران، دارای تابعیت ایرانی باشد و با مرد خارجی ازدواج کرده باشد. همچنین ملاک ایرانی بودن مادر، اسناد سجلی او است.

اما در صورت جدایی یا طلاق، مسئله‌ی حضانت فرزند، تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله، قوانین ایران و مقررات بین‌المللی قرار می‌گیرد که طبق «ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی ایران» حضانت فرزند تا سن ۷ سالگی، بر عهده‌ی مادر می‌باشد، مگر در شرایط خاص، که مادر صلاحیت حضانت نداشته باشد. این ماده به طور عمومی برای همه فرزندان ایرانی، چه حاصل از ازدواج با یک فرد ایرانی یا خارجی باشند، اعمال می‌شود. پس از این سن حضانت به پدر تعلق می‌گیرد، مگر اینکه دادگاه تشخیص دهد که پدر صلاحیت حضانت را ندارد؛ در این مرحله، در صورت اختلاف بین پدر و مادر، دادگاه به مصلحت کودک تصمیم می‌گیرد.



تاثیر تابعیت پدر در حضانت فرزند:

اگر پدر خارجی باشد ممکن است مسائلی، مانند: تابعیت کودک، حقوق بین‌الملل و

در صورتی که والدین ، در خارج زندگی کنند ، و بر سر حضانت فرزندان خود ، اختلاف داشته باشند ، دادگاه کشوری که فرزند در آن اقامت دائم دارد ، صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهد داشت.

همچنین اگر کودک در ایران و یا کشور دیگری اقامت دائم نداشته باشد ، و یکی از والدین او در ایران باشد ، ممکن است دادگاههای ایران نیز ، صلاحیت رسیدگی به این مسئله را پیدا کنند.

برخی کشورها ، ممکن است حضانت را به پدر(خارجی) بدهند یا در صورت جدایی حضانت به مادر واگذار شود.

دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی مربوط به حضانت فرزند پدر خارجی و مادر ایرانی:

بر اساس قانون حمایت از خانواده ، در صورت بروز اختلاف بین والدین ، اگر والدین در ایران زندگی کنند ، دادگاه خانواده ی ایران ، صلاحیت رسیدگی به مسائل و مشکلات خانوادگی ، از جمله حضانت را دارند ، حتی اگر یکی از والدین خارجی باشد.

"فاطمه غلامزاده"



نمای بیماران روانی

بیماران روانی، مانند سایر اعضای جامعه حق برخورداری از پایه‌ای و بدیهی‌ترین حقوق انسانی را دارند؛ ولی جامعه‌ی امروز، اغلب به دلیل تبعیض‌ها، کوتاه فکری‌ها و عدم توجه به حقوق این گروه از افراد اغلب از نبود قانونی مدون، کارآمد و پویا دچار چالش‌های فراوانی شده و تضمین حقوق این افراد را با تعارض جدی روبرو کرده است. وجود این چالش‌های متعدد و پیچیده می‌تواند بر روند دادرسی، حکم صادره و حتی آینده‌ی فرد تاثیرگذار باشد. مشکلاتی در تشخیص درست از غلط و تاثیر داروها و درمان، ارزیابی وضعیت روانی وی را پیچیده می‌کند و همین امر باعث می‌شود مسئولیت روانی فرد بیمار به چالش کشیده شود. تصویب یک قانون جامع در حوزه‌ی بیماران روانی از اهمیتی بی‌بدیل برخوردار است؛ زیرا چنین قانونی می‌تواند:

۱. حقوق اساسی بیماران روانی را به رسمیت بشناسد.
۲. حقوق بیماران بستری در بیمارستان را تضمین کند.
۳. به بهبود وضعیت بیماران روانی کمک کند.
۴. ایجاد مسیری برای حمایت حقوق حامیان این افراد و تشکیل سازمان‌های مردم نهاد باشد.
۵. خانواده‌های این بیماران از حقوق بیماران خود آگاه شوند و وکلا طبق قوانینی مستند و مستدل از آنها دفاع کنند.

حقوق‌های بنیادینی که برای هر فرد رشید و بالغ وجود دارد، بر اساس موازین عدالتی، باید برای این بیماران هم موجود باشند.

برای مثال، وجود حق درمان برای بیمار الزامی است، فرد الف را متصور شوید که علی‌رغم وجود فشارهای روحی و جسمی متفاوت، برای تحمل بیماری روانی و حتی جرم مرتکب شده و تبعات ملال آور ذهنی او برای وضعیت ایجاد شده (Paranoia) از کمبود و یا حتی نبود امکانات درمانی رنج می‌برد.

در بسیاری از زندان‌ها، امکان دسترسی به درمان‌های روانپزشکی متناسب برای زندانیان مبتلا به اختلالات روانی وجود ندارد و حتی محیط زندان برای بیماران روانی، ممکن است سخت بوده و باعث تشدید علائم بیماری شود. فلذا درمان به موقع و مناسب بیماری‌های روانی می‌تواند از بروز عوارض جدی‌تر و طولانی مدت پیشگیری کرده و یا حتی هزینه‌های درمان را کاهش دهد.

بیماری، مانند «PTSD اختلال استرس پس از حادثه» از نبود متخصص و یا روانپزشک و روانشناس در ایران به تعداد کافی دچار چالش شده است و گاهی درمان را برای بیماران به علت عدم پراکندگی این پزشکان در سطح کشور، دچار اختلال و مصائب‌هایی کرده است.

«نقش اختلال روانی در حقوق جنایی ایران»

اولین بار، جنون به عنوان یک مانع مسئولیت جنایی در ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۰۴ آمده بود، این ماده بیان می‌کرد: کسی که در حال ارتکاب جرم، مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد، مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت؛ ولی در صورت بقای جنون، باید به دارالمجانین تسلیم شود. در مورد این ماده، این اشکال به نظر می‌رسد که مرزهای جنون و انواع اختلالات روانی معین نشده و درباره افراد و بیماری‌های متفاوت، حکم یکسان داده شده است.

حتی در ماده‌ی ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ در فصل مانع‌های مسئولیت کیفری، آمده است که:

هرگاه مرتکب، در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت جنایی ندارد. در واقع قانونگذار، همانند پیش از انقلاب دسته‌ای اعم از بیماری‌های روانی را با عنوان جنون، رافع مسئولیت کیفری دانسته است. این در حالی است که امروزه طبقه‌بندی اختلال‌های روانی بر اساس معیارهای «DSM-IV» بیان شده است و نمی‌توان با مسامحه و چشم پوشی همه‌ی آن را در دسته‌ای کلی به نام جنون جای داد؛ چه بسا ارتکاب یک جرم، توسط بیمار روانی که مبتلا به اختلال روان گسیختگی اسکیزوفرنی است و تبعاتی مانند توهم، هذیان

با وجود ارائه‌ی خدمات کلینیک‌های روانشناسی، بیمارستان‌های روانپزشکی و مراکز مشاوره دانشگاهی برای آن، به علت دسترسی محدود به درمان و هزینه‌های درمان روانشناختی و عدم امکان تامین آن از سوی فرد و وجود انگ اجتماعی نسبت به این بیماری (PTSD) بسیاری از افراد به دنبال درمان آن نمی‌روند. مثال دیگری که برای ضرورت ایجاد و تدوین حقوق اساسی برای این بیماران می‌توانیم یادآور شویم، وجود حق حریم‌هایی است که برای نه تنها بیماران روانی بلکه تمامی بیماران ضروری است (علت تاکید، بر وجود داشتن چنین جزئیاتی برای بیماران روانی و تمایز خاص این افراد از دیگر بیماران، شرایط حساس جسمی و روحی آنهاست).

حریم خصوصی باعث جلب احساس امنیت و

آرامش و اعتماد بیماران نسبت به محیط درمان، اطباء و روند درمان است.

اگر بیمار از حریم فیزیکی (حق داشتن فضای خصوصی و عدم تعرض به حریم فیزیکی بیمار)، حریم اطلاعاتی (عدم افشای اطلاعات بیمار بدون اجازه آنها) و حریم اجتماعی (مراودت و معاشرت اجتماعی در صورت امکان و ایجاد تعاملات اجتماعی در محیطی سالم و بدون تبعیض) برخوردار باشد، چالش‌های حفظ حریم خصوصی بیماران روانی کاهش یافته و جامعه آماده پذیرش راهکارهای حفظ حریم خصوصی این بیماران و ایجاد قوانین حمایتی و محیطی امن، برای اوست.

و روان‌پریشی دارد با ارتکاب همان جرم، توسط یک بیمار روانی مبتلا به کنترل‌های تکانه که بدون هیچ فکر و اندیشه‌ای و تحت تاثیر یک فشار ناخواسته فرد را وادار به انجام آن جرم کرده و آزادی عمل وی را محدود می‌سازد، باعث شود که هر دو به یک صورت، رافع مسئولیت کیفری نباشند و آرای یکسان قضات در این باره قدری مسامحه‌گری از وضعیت و چگونگی حالات مجرم حین ارتکاب جرم باشد.

جرم و بعد از آن هم اثبات شده، حالا شکی در مرتفع کردن مسئولیت کیفری از او نداریم؛ این در حالیست که در حالت اختلال کنترل تکانه فرد از علل‌های مختلفی مانند عوامل ژنتیکی، عصبی، روانشناختی - محیطی به این بیماری مبتلا شده و باعث ایجاد انفعالاتی، مانند: اختلال انفجاری بین فردی، اختلال کندن مو یا پوست، خوردن غیرقابل کنترل و... می‌شود که نمی‌توان شدت و ضعفی برای آن متصور شد.

"علت توجیه تفاوت حالات مختلف مجرم"

جرم در جرایم نامبرده به این دلیل است که، بیماری که مبتلا به اسکیزوفرنی است ممکن است هنگام ارتکاب جرم در حالت علائم قبل از بیماری (Sign of Schizophrenia) باشد و هنگام به جریان افتادن پرونده و ورود به مراحل دادرسی، حالات او شدیدتر شده و در حالت (Positive symptoms of Schizophrenia) قرار گرفته باشد.

تفاوت این حالات این است که در حالت اول، فرد فقط دارای نشانه‌هایی از بیماری است و تغییرات عجیب در گفتار تفکر یا ادراک دیده می‌شود که آنها را می‌توان علائم‌های هشدار دهنده "قبل" از شروع علائم اصلی دانست. چه بسا عدم توجه به حالات بیمار روانی، هنگام ارتکاب جرم و عدم اراده‌ی وی برای انجام این جرم باعث وجود قدری بی‌عدالتی برای صدور حکم، علیه او باشد. در حالتی که فرد، نشانه‌های مثبت بیماری در او دیده شده و هنگام ارتکاب

"لایحه حمایت از حقوق افراد مبتلا به بیمار روانی"

در مقدمه ۰ توجیحی این قانون آمده است که: با توجه به میزان افراد مبتلا به اختلالات روانی در جامعه و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی سنگین ناشی از این‌گونه بیماری‌ها، برای فرد، خانواده و جامعه و با عنایت به وجود خلأ قانونی در مورد نحوه شناسایی این بیماران و رعایت حقوق آنان در مراحل مختلف بستری، درمان و ترخیص، در راستای ارتقای سلامت روان جامعه و رفع موانع تنش‌آفرین در زندگی فردی و اجتماعی، ترویج آموزش‌های اخلاقی و معنوی و قانون‌گذاری جامع برای حمایت از این قشر از افراد جامعه، لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی مربوط تقدیم می‌شود.



با وجود مقدمه کامل این لایحه که ناظر بر حفظ حقوق بیماران و توجه به وضعیت جامعه می باشد، قوانینی کارآمد در ۳۸ ماده، تدوین شده است که با توجه به فراوانی مشکلات این قشر، برای در بر گرفتن تمامی شرایط این بیماران، نمی تواند جامعیت داشته باشد. در این ماده به شرح اصطلاحات مختلفی مانند اختلال روانی، آشفتگی روان، بحران روانی، بستری، پزشک قانونی و... پرداخته شده است.

لایحه مذکور با هدف حمایت از بیماران و برطرف کردن برخی چالش های مرتبط در حوزه های حقوقی و اجرایی، از سوی دولت ارائه شده است.

گفتنی است در نتیجه بررسی لایحه در کمیسیون تخصصی، این عنوان، به لایحه حمایت از بیماران مبتلا به اختلالات شدید روانپزشکی تغییر یافت. نتایج بررسی ها، نشان داد که به رغم اینکه لایحه حاضر، از حیث پرداختن به موضوع هایی، از قبیل رفع خلل قانونی در موضوع بستری اختیاری و اجباری،

افزایش نقش روانپزشکان در فرایند تصمیم گیری، پیرامون بستری بیماران و ... مثبت، ارزیابی می شود؛ اما در مقابل، ایرادهای متعددی در ابعاد گوناگون متوجه لایحه است که از حیث اهمیت آن، خلل تقنینی در این حوزه و همچنین احتمال بروز مشکلات در اجرایی شدن مواد است. این در حالی است که هنوز هم بدیهی ترین موضوعات، مانند وجود اورژانس برای این بیماران در مواقع اضطراری پیش بینی نشده است و در صورت بروز مشکل برای این بیماران هنوز هم افرادی در صحنه حاضر می شوند که از اطلاعات چندان زیادی درمورد بیماری های روانی و نحوه برخورد و کنترل این وضعیت بحرانی برخوردار نیستند.

.....
اگر آگاهی عموم جامعه، از انواع بیماری ها افزایش یابد، چه بسا با کنترل آن، بیماری از کاهش چالش های چشمگیری برخوردار شده و ایران خانه ای امن تر برای نگهداری از هر بیمار جسمی و روانی باشد.
.....

سمرحاتی





● قانون مجازات اسلامی، نشست حقوقی استان گلستان - شهرکند کاووس به شماره ۱۴۰۱-۸۹۵۳ و تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آیین دادرسی جرائم رایانه ای، قانون تجارت الکترونیک

● معشای قانون مجازات اسلامی، دکتر ایرج گلدو زیان.

شرح حقوق جزای اختصاصی دکتر بهزاد ستاری

جرائم علیه اشخاص دکتر حسن میرمحمد صادقی

● قانون مجازات اسلامی، لایحه حیات از حقوق افراد مبتلا به بیماری روانی

● مجله حقوقی دادگستری شماره ۷۴ سال انتشار ۱۳۹۰ - عبدالله خدا بخشی

● قانون مدنی

● قانون مدنی، لمعه دمشقیه جلد دوم - شهید اول، آیین نامه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

آیا قانون ہمیشہ عادلانہ است؟

وقتے صحبت از "عدالت" بہ میان مے آید، بسیاری از ما تصور مے کنیم کہ قانون همواره عادلانہ عمل مے کند.

اما آیا واقعاً این طور است؟

در حقیقت، قانون همواره تلاش مے کند تا عدالت را برقرار کند، اما در عمل، اجرای آن ہمیشہ کامل و بدون نقص نیست. گاہے اوقات ممکن است قانون خود موجب نابرابری ہاے جدید شود یا برائے اقشار مختلف جامعہ بہ یک شکل عمل نکند.

